

علی بن مهدی طبری برای مؤلفان اشعری به دلیل شاگردی وی نزد ابوالحسن اشعری اهمیت داشته است. برخی از اطلاعات درباره او و نقطه نظرهای وی توسط این مؤلفان و حتی برخی از نویسندگان حنبلی و اصحاب حدیث مانند ابن تیمیه نقل و ثبت شده است که در اینجا مجال پرداختن به همه آنها نیست و تنها به ذکر دو مورد بسنده می‌کنیم. از این میان براساس رساله اعتقادات ابوعثمان صابونی که مکرر به چاپ رسیده، می‌دانیم که ابن مهدی طبری رساله اعتقاد نامهای برای همشهریان خود نوشته بوده که در آن گویا بیشتر مشی اصحاب حدیث داشته است.^۲ صابونی از مقام علمی طبری و جایگاه او در علم کلام ستایش می‌کند و به تصانیف بزرگ او در دانش کلام اشاره می‌کند.^۳ اکنون گویا از وجود این رساله طبری اطلاعی در دست نیست.

کتاب مشکل الحدیث ابن فورک (متوفی ۴۰۶ ق)^۴ نیز می‌تواند راهنمای خوبی برای شناخت شخصیت علی بن مهدی طبری و کوشش‌های علمی وی باشد. البته اطلاع ما از نام و حضور طبری در این کتاب مرهون استاد دانشمند فرانسوی آقای دانیل ژیماره^۵ است که اخیراً چاپ کامل و ممتازی را از کتاب مشکل الحدیث ابن فورک اشعری ارائه کرده است.^۶ در چاپ حیدرآباد بخشی از آغاز کتاب افتاده و از این رو نام ابن مهدی طبری در مقدمه ابن فورک افتاده است.

کتاب مشکل الحدیث ابن فورک پیش از این هم به چاپ رسیده بود و شرح چاپ‌های قبلی را هم آقای ژیماره ارائه کرده‌اند. با این همه به دلایلی چند کتاب حاضر بهترین تحقیق درباره این متن است؛ از جمله اینکه این متن مشتمل بر مقدمه و صفحات آغازین متن است که در چاپ حیدرآباد (۱۹۴۳ م / ۱۳۶۲ ق) از قلم افتاده است. محقق درباره این متن و نسخه‌های اساس^۷ و مشکلات چاپ‌های پیشین به تفصیل در مقدمه نکات مفیدی را مطرح کرده که نیاز به تکرار آن نمی‌بینیم. اما بایستی این نکته را توجه دهم که از مهم‌ترین ویژگی‌های این چاپ، توجه محقق به منابع ابن فورک در تألیف این کتاب است. نسخه اصلی محقق به مغرب اسلامی باز می‌گردد که با توجه به نفوذ اشعری‌گری در میان مالکیان آنجا در قرون نخستین گسترش اشعری‌گری امری طبیعی می‌نماید. این نسخه به روایت یکی از همین مالکیان اشعری مغربی از ابن فورک است که در سفر به شرق توانسته با ابن فورک ملاقات کند و از او بهره گیرد. این امر، شایع بوده و بسیاری از کتاب‌های نویسندگان مشرق اسلامی

باز هم درباره علی بن مهدی طبری و کتابی از ابن فورک

• حسن انصاری قمی

چند سال پیش‌تر به نسخهای از کتابی مجهول المؤلف و ناشناخته دست یافتیم که پس از بررسی‌ها و مقایسه‌های بسیار مؤلف را شناسایی کردم و هویت کامل کتاب را که در الذریعة ذکر نشده بود و طبعاً برای مؤلفان امامی تقریباً ناشناخته بود، به دست آوردم. نام کتاب نزهة الابصار و محاسن الآثار تألیف علی بن محمد بن مهدی طبری سنی و شاگرد ابوالحسن اشعری، و موضوع آن گردآوری سخنان حضرت امیرسلامالله علیه است.^۱ در آغاز تصمیم داشتم کتاب را خود تصحیح کنم ولی با توجه به علاقه و همت عالی ابن عم بزرگوار و دانشمند جناب آقای مهدی انصاری قمی کتاب را به ایشان معرفی کردم و ایشان هم اکنون کتاب را زیر چاپ دارند. هم اینک می‌کوشم نکاتی دیگر درباره مؤلف این کتاب براساس کتاب تازه چاپ ابن فورک، متکلم اشعری سده چهارم قمری ارائه دهم.

سنیان، اهل سنت و جماعت را به عقیده تشبیه متهم می‌کردند. عنوان یکی از نسخه‌های کتاب، «کتاب الاملاء فی الايضاح و الکشف عن وجوه الاحادیث...»، نشان می‌دهد که کتاب در اصل به صورت املای ابن فورک بوده است.^{۱۱} البته در مقدمه خود کتاب نیز مؤلف به مسئله املای اشاره کرده است (ص ۲، سطر ۸). همین امر شاید از اسباب عدم نظم منطقی کتاب باشد که مورد اشاره محقق دانشمند نیز قرار گرفته است.

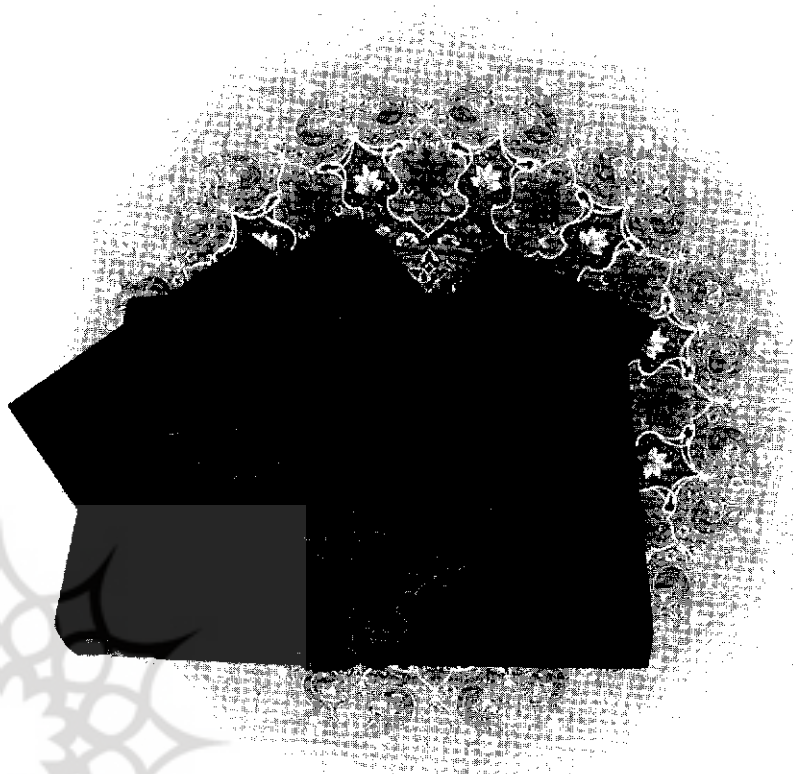
بخشی از کتاب ابن فورک (از ص ۲۱۷ به بعد) در واقع نقدی است بر دو کتاب از اصحاب حدیث درباره اسما و صفات باری و مسئله توحید: کتاب التوحید ابن خزیمه که به چاپ هم رسیده است (برای آگاهی درباره ابن خزیمه، متوفی ۳۱۱ ق و این کتاب بنگرید به دایرة المعارف بزرگ اسلامی، با امضای مستعار اینجانب)^{۱۲}؛ و کتاب دوم کتاب الاسماء و الصفات از ابوبکر الصغی (متوفی ۳۴۲ ق) از شاگردان ابن خزیمه. بنابراین مؤلف در این کتاب پاسخ به حنابله را نیز مد نظر داشته است، گرچه هدف اصلی همان دفاع از اهل سنت در برابر «مبتدعه» بوده است. در مقابل، اشعریان نیز کتاب‌هایی با مضامین حدیثی و با گرایش معتدل و اخباری اشعری داشتند، مانند کتاب الاسماء و الصفات ابوبکر بیهقی که از محدثان اشعری مذهب و شاگرد ابن فورک بوده است که در همین کتاب به موضوع تشبیه و مستندات نقلی تشبیه پرداخته و مسلکی اشعری در برخورد با آن نشان داده است.

در مقدمه، مؤلف با آنکه از اصحاب حدیث ستایش می‌کند متذکر می‌شود که آنان بر دو گروه‌اند: یکی کسانی که فقط اهل نقل و روایت حدیث‌اند و گروهی دیگر اهل نظرند (ص ۲). وی با بیان تفاوت شیوه محدثان اصحاب حدیث سنی با شیوه اصحاب حدیث اهل نظر - که در حقیقت مقصود مؤلف فقط اشعریان بوده است - از ضرورت تأویل به جای رد همه احادیث تشبیهی دفاع می‌کند. بنابراین، ابن فورک با در نظر گرفتن جوانب احتیاط کوشیده است که ضمن نقد رویکرد حنبلیان و اصحاب حدیث سنی، حساسیت آنان نسبت به احادیث را متوجه خودش نکند (برای نمونه بنگرید به: ص ۵۴).

ابن فورک در مقدمه به سه تن از کسانی که پیش از او به بحث تأویل احادیث متشابه پرداخته و در این باب کتابی نوشتند، اشاره کرده است (ص ۷). در حقیقت کتاب ابن فورک چنانکه خود او در مقدمه متن

و از آن جمله کتاب‌های اشعریان، از جمله باقلانی و جوینی و غزالی، به همین ترتیب به مغرب اسلامی منتقل شده بوده است.^{۱۳} در کتاب‌های «ثبت»، «برنامهج» و «فهارس» مشایخ حدیث شمال آفریقا در طول دوران اسلامی می‌توان به موارد متعددی از این گونه انتقال برخورد کرد. در واقع، کتاب ابن فورک همان‌طور که از عنوان‌های مختلف آن که مورد توجه محقق نیز قرار گرفته است، برمی‌آید، کتاب مؤلفی بوده از اهل سنت و جماعت در رد فرق «مبتدعه» و به اصطلاح «اهل الاهواء» مانند جهیمیه و معتزله و رافضه^{۱۴} در مورد اخبار و احادیث متشابه که به نادرست فهمیده شده است. مؤلف در این کتاب می‌کوشد تا تأویل درستی از این اخبار متشابه بنابر مذهب کلامی اشعری عرضه کند. البته همان‌طور که از برخی عناوین کتاب نیز برمی‌آید، اهتمام مؤلف در حقیقت فقط موضوع تشبیه و احادیث صفات باری بوده که به ویژه در این باره و در مورد نحوه تأویل یا عدم تأویل اخبار و احادیث تشبیهی میان اشعریان و متکلمان سنت از یک سو و اصحاب حدیث سنی و حنابله از سوی دیگر، اختلاف نظر عمیقی بوده است. به ویژه که در فاصله قرون پنجم و ششم برخی از محدثان حنبلی در عدم تأویل یا پذیرش احادیث تشبیهی ولو به شکل افراطی زیاده‌روی کرده بودند که گاهی حتی مورد انتقاد حنبلیان معتدل هم قرار می‌گرفتند. شاید کتاب ابن فورک به ویژه به دلیل حضور کرامیان در خراسان آن دوره و در مقام نفوذ در قدرت‌های سیاسی و اجتماعی، متوجه عقیده تشبیهی آنان نیز بوده، اما به هیچ وجه از کرامیان و سنت‌های حدیثی آنان نامی نمی‌برد. این در حالی است که می‌دانیم ابن فورک با کرامیان خراسان درگیری فکری داشته و آنان را به خوبی می‌شناخته است.^{۱۵} احتمالاً این امر به نفوذ و سیطره آنان در خراسان آن روزگار باز می‌گردد و ابن فورک در حقیقت از قدرت آنان نزد غزنویان هراس داشته است. با این وصف، به نظر اینجانب ابن فورک در این کتاب خواسته است پیش از هر چیز به اتهامات معتزلیان به اهل سنت پاسخ دهد و اتهام تشبیه را از اهل سنت و جماعت دور کند، خاصه که می‌دانیم در دوره ابن فورک، حنفیان معتزلی و کلاً معتزلیان در خراسان نفوذ و قدرت قابل توجهی داشتند و در نیشابور هم فعال بودند.

در مورد معتزله، کتاب در حقیقت درصدد رویکرد انتقادی معتزلیان نسبت به احادیث تشبیهی است که آن را بهانه‌ای برای انتقاد از حدیث و کتب حدیثی سنیان می‌کردند و به واسطه نقل آن احادیث از سوی



پاسخ دادند نمونه‌های مهم در این نوع ادبی را می‌بایست کتاب الرد علی المریسی العنید ابوسعید دارمی (متوفی ۲۸۲ ق) دانست که خوشبختانه در اختیار ما قرار دارد. نوک تیز انتقاد دارمی در این کتاب سنت تنزیهی بشر مریسی و ابن الثلجی بوده است.^{۱۶}

منبع دیگری که ابن فورک از وی نام برده ابن قتیبه (مؤلف کتاب تأویل مختلف الحدیث) است که خود از رجال اصحاب حدیث بوده ولی همچون برخی دیگر از رجال اصحاب حدیث مانند محمد بن اسماعیل بخاری نسبت به برخی گرایش‌های آنان انتقاد داشته است و این امر از این کتاب و کتاب دیگر او با عنوان الاختلاف فی اللفظ والرد علی الجهمیة و المشبهة پیداست. طبعاً انتقاد ابن قتیبه از اصحاب حدیث در مورد احادیث تشبیهی با موضع کسانی مانند ابن الثلجی تفاوت داشته است^{۱۷}، اما به هر حال در مواردی او نیز معتقد بوده که می‌بایست تعابیر برخی روایات را تعابیری تمثیلی دانست.^{۱۸}

محقق دانشمند ما به دقت بر این نکته تأکید کرده است که موارد بهره‌گیری ابن فورک از ابن قتیبه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم (از طریق ابن مهدی طبری) بسیار است، گرچه در قریب به تمام موارد از وی نامی نبرده است.

سومین شخصیتی که پیش از ابن فورک به این موضوع پرداخته بوده و ابن فورک از وی در مقدمه نام برده است، ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی طبری است. کتاب ابن مهدی مورد استفاده مکرر بیهقی در کتاب الاسماء و الصفات نیز قرار گرفته و با توجه به نقص نسخه موجود کتاب ابن مهدی این موارد معتتم است.^{۱۹} ما پیش از این در مقاله مربوط به ابن مهدی از این کتاب و نسخه آن نام برده بودیم و اینک اطلاعات خود را در این باره بر اساس کتاب ابن فورک و مقدمه محقق دانشمند تکمیل و تصحیح می‌کنیم: ابن عساکر، مورخ اشعری مذهب کتاب ابن مهدی را با عنوان کتاب تأویل الأحادیث المشکلات الواردة فی الصفات می‌خواند اما در نسخه موجود کتاب ابن مهدی، کتاب با عنوان تأویل الآیات المشکلة الموضحة و بیانها بالحجج و البرهان نامیده شده است. معنای این سخن این است که در عنوان پیشنهادی ابن عساکر کتاب تنها به احادیث متشابه درباره صفات می‌پردازد، در حالی که در عنوان نسخه، تنها به آیات مشکل (متشابه) اشاره شده است. محقق کتاب به این نکته توجه داده و گفته است که کتاب ابن مهدی در حقیقت به هر دو صنف از متشابهات، چه در آیات قرآن و چه در احادیث می‌پردازد، وی در عین حال متذکر می‌شود که کتاب ابن مهدی بیشتر جنبه ادبی و لغوی را مدنظر داشته است تا جنبه کلامی و البته این گرایش ابن مهدی از کتاب نزهة الاجصار و شرح احوال او هم برمی‌آید.

می‌نویسد، مکمل تلاش‌های این سه تن بوده است (ص ۸۷). یکی از این سه تن محمد بن شجاع الثلجی (متوفی ۲۵۷ ق) است که از حنفیان نزدیک به معتزله بوده که نسبت به مشبهه و عقاید تشبیهی اصحاب حدیث موضعی کاملاً منفی داشته و حتی متهم شده که احادیثی تشبیهی برمی‌ساخته و آنها را به محدثان منسوب می‌کرده است تا عقاید آنان را مورد انتقاد قرار دهد.^{۲۰} می‌دانیم که او کتاب الرد علی المشبهه را نوشته که شاید همین کتاب منبع الهام ابن فورک بوده است.^{۲۱} به هر حال ابن الثلجی جزء منابع اصلی ابن فورک بوده و این نشان می‌دهد که اشعریان ناچار می‌شدند برای دفاع از عقاید غیر تشبیهی و تأویلی خود گاه از مخالفان خود یا کسانی که با آنان اختلاف نظرهای مهمی داشته‌اند، بهره بگیرند.^{۲۲} سلف ابن الثلجی در روش نقد احادیث، کسانی مانند بشر مریسی بودند که در جای دیگری به او پرداخته‌ام. البته این امر را هم نباید فراموش کرد که یکی از دلایل این اختلاف میان اصحاب حدیث و کسانی مانند ابن الثلجی، تعلق خاطر ابن الثلجی به اصحاب رأی و ابوحنیفه بوده که خود مورد انتقاد اصحاب حدیث قرار می‌گرفتند اما همین‌جا لازم است به این نکته توجه دهیم که مقابله گروه‌های متمایل به معتزله یا جهمیه بدون پاسخ نماند و رجال اصحاب حدیث به نقد آنان

است؛ در مورد شمال آفریقا، بنگرید به:

H.R. Idris, «Essai sur diffusion de l'arisme en Ifriqiya», *Les Cahiers de Tunisie* (1953), pp. 126-140.

۹. مؤلف تنها یک جا از رافضه نام برده و روشن است که مخاطب کتاب او رافضیان نبودند و وی تنها به شکل سنتی در یاد کرد از فرق مبتدعه از رافضه نام برده است.

۱۰. در مناظره با ابن هیصم کرامی، بنگرید به: به طور مثال کتاب اساس التقدیس فخر رازی. استاد زریاب به تفصیل در این باره مطالبی را ارائه داده است که نیاز به تکرار آن نیست.

۱۱. برای عناوین مختلف این کتاب نزد مؤلفان سنی دیگر، بنگرید به: جوینی، الشامل، ص ۵۴۳؛ فخرالدین الرازی، اساس التقدیس، قاهره، ۱۳۲۸ ق، ص ۱۲۴؛ ابن تیمیه، «العقیده الحمویة الکبری»، در ضمن مجموعه، ۴۲۶/۱. نیز بنگرید به: مقدمه قاضی ابویعلی حنبلی (د. ۴۵۸ ق) بر کتابش ابطال التأویلات لأخبار الصفات که ردیه‌ای است بر کتاب ابن فورک و در سه جلد در حال چاپ است و گویا تاکنون دو جلد آن به چاپ رسیده است. جلد اول آن در اختیار اینجانب است: چاپ کویت در سال ۱۴۱۰ ق. این کتاب نشان می‌دهد که حنبلیان تندرو که ابویعلی در شمار آنان بوده است چگونه از کتاب تأویلی ابن فورک در مورد اخبار صفات به تنگ آمده بودند.

۱۲. بخش فقه این مقاله را دوست فاضلمان آقای احمد پاکتچی نوشته‌اند.

۱۳. بنگرید به: تهذیب التهذیب ابن حجر، ج ۹، ص ۲۲۰.

۱۴. بنگرید به: ابن مرتضی، طبقات المعترله ص ۱۲۹.

۱۵. گرچه گاهی تفسیرهای او را به دلیل تأثیرپذیری از معتزله یا جهمییه قبول نکرده است؛ بنگرید به: ابن فورک، کتاب مشکل الحدیث، ص ۳۵، ۸۰، ۸۲.

۱۶. دارمی کتاب دیگری هم به نام الرد علی الجهمییه داشته که آن هم به چاپ رسیده است.

۱۷. در این مورد برای مثال بنگرید به: تأویل مختلفه ص ۲۱۰ و نیز کتاب الاختلاف فی اللفظ.

۱۸. مانند: تأویل، ص ۲۲۴، ۲۱۵. در این مورد از احمد بن حنبل هم نقلی در برخی کتابها هست که در مواردی (تنها سه مورد) تأویل را جایز می‌دانسته است. در این مورد بنگرید به: کتاب فیصل التفرقه غزالی، ص ۸۳ و منابع بسیار دیگر.

۱۹. نسخه کتاب ابن مهدی در دارالکتب قاهره به شماره ۴۹۱ مجامیع موجود است.

در متن کتاب ابن فورک جز همین یک بار دیگر نامی از ابن مهدی نیامده ولی محقق ما می‌گوید با مقایسه‌ای که میان دو متن انجام داده، روشن می‌شود که ابن فورک از کتاب ابن شاگرد اشعری بهره بسیار زیادی در کتاب مشکل برده است، به طوری که می‌بایست وی را پیشگام ابن فورک در این رویکرد اشعریان دانست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای آن، بنگرید به مقاله‌ای که در نشر دانش به چاپ رسانده‌ام، با عنوان «تهجدالبلاغه پیش از نهج البلاغه».

۲. این مطلب را در مقاله قبلی نیز مورد توجه قرار داده بودیم.

۳. عبارت صابونی چنین است: «و ذکر ابن مهدی الطبری فی کتابه الاعتقاد الذی صنفه لاهل هذه البلاد ان مذهب اهل السنة و الجماعة القول بأن القرآن کلام الله سبحانه، و وحیه و تنزیله، و أمره و نهیه غیر مخلوق، و من قال: مخلوق فهو کافر بالله العظیم، و أن القرآن فی صدورنا محفوظ، و بالسنننا مقروء، و فی مصاحفنا مکتوب و هو الکلام الذی تکلم الله عزوجل به، و من قال: ان القرآن بلفظی مخلوق، أو لفظی به مخلوق فهو جاهل ضال کافر بالله العظیم، و انما ذکرنا هذا الفصل بعینه من کتاب ابن مهدی لاستحسانی ذلک منه، فانه اتبع السلف اصحاب الحدیث فیما ذکره مع تحره فی علم الکلام، و تصانیفه الکبیره فیه و تقدمه و تبرزه عند اهله.»

۴. نویسنده این سطور استاد زیماره را از وجود کتاب نزهة الابصار ابن مهدی الطبری مطلع کرد که این اطلاع برای ایشان بسیار جالب بود. استاد بهترین متخصص کلام اشعری در روزگار ما در مغرب زمین هستند که کتاب مجرد مقالات ابی الحسن اشعری ابن فورک را هم پیش از این به چاپ رسانده‌اند.

۵. برای ابن فورک می‌بایست به مقاله عالمانه زنده یاد دکتر زریاب خوبی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مراجعه کرد.

۶. با عنوان: کتاب مشکل الحدیث او تأویل الأخبار المتشابهة للشیخ الامام ابی بکر محمد بن الحسن ابن فورک الاصبهانی الاشعری (متوفی ۴۰۶ ق / ۱۰۱۵ م)، تحقیق و تعلیق دانیال جیماریه، المعهد الفرنسي للدراسات العربیة بدمشق، دمشق ۲۰۰۳ م.

۷. خوشبختانه از کتاب ابن فورک نسخه‌های کهن موجود است و محقق از نسخه لایبزیک که به سال ۴۵۹ ق باز می‌گردد بهره برده است.

۸. برای انتقال و گسترش اشعری‌گری مقالات متعددی نوشته شده